

چهل سال خفقان، سرکوب، بازداشت، شکنجه، تبعیض، حبس های سنگین، اعدام، جنایت علیه بشریت و

بی عدالتی گسترده در ایران!



حکومت اسلامی ایران که ۴۰ سالگی خود را لنگ لنگان سپری می‌کند، از همان آغاز، انقلابی که با مشارکت فعالانه و عاشقانه بهترین نیروهای دگراندیش برای رسیدن به برابری، آزادی و عدالت برپا شده بود را با فریب و نیرنگ و تقلب در پد اختیار خود گرفت و شرایط پرورش جنایت کاران و حذف دگراندیشان را فراهم نمود.

از همان روزی که با فرمان روح الله خمینی، صادق خلخالی حاکم شرع تهران شد و اعدام سردمداران و مجریان حکومت پهلوی را از بالای مدرسه رفاه آغاز کردند، خفقان و سرکوب در ایران کلید خورد، اعدام هایی که بدون یک محاکمه علنی و عادلانه انجام شد. آری این حکومت دیکتاتور و تمامیت خواه از همان ابتدا با حذف فیزیکی توانست بر اریکه ی قدرت بنشیند و پس از چندی تمام سازمان ها و تشکل ها را نابود کند و تمامی فعالان سیاسی و حتی فعالان مدنی را به بی رحمانه ترین شکل ممکن از دم تیغ بگذارند یا از صحنه سیاسی جامعه حذف کند.

از کشتار کردها در کردستان و ترکمن صحرا تا آغاز کشتارهای گسترده و بی رحمانه فعالان سیاسی در دهه ی شصت و به ویژه کشتار تابستان سال ۱۳۶۷ که به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته می شود، جنایتی که تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را پشت درهای بسته و در بی‌خبری و بی اطلاعی زندانیان، خانواده‌ها و جامعه قتل عام کرد. قتل عام زندانیانی که محکومیت زندان داشتند و چه بسا سال، ماه یا روزهای پایانی محکومیت خود را

می گذراندند یا برخی محکومیت شان به پایان رسیده بود و به ملی کش معروف بودند. این که بهانه حکومت در کشتن این زندانیان چه بود و چگونه و در چه شرایطی این عزیزان را گروه گروه به قتل رسانید و چگونه اجساد آنان را به دور از چشم خانواده و وابستگان شان در گورهای جمعی در تهران و شهرستان‌ها به خاک سپرد، داستان دردناکی است که هیچ گاه از حافظه تاریخی و جمعی مردم ایران پاک نخواهد شد، به خصوص در شرایطی که چند سالی است پرده‌ها کنار رفته و عاملان و آمران آن کاملاً مشخص شده اند.

جنایت کاران باید بدانند که عادی جلوه دادن این جنایت‌ها، آن‌ها را با وقاحت و بی‌شرمی کم نظیری که در این کار نشان می‌دهند، نه تنها باعث نمی‌شود که این جنایت‌ها در انظار عمومی بديهی جلوه کند و از مسئولیت جنایت کاران در انجام جنایتی که انجام داده‌اند کاسته شود، بلکه باعث می‌شود که خشم فروخورده‌ی خانواده‌های آسیب دیده از این همه قساوت و بی‌شرمی سر ریز شده و جامعه را نسبت به این همه بی‌عدالتی آگاه‌تر سازد. اما این چیزی است که دست اندرکاران حکومت اسلامی ایران از صدر تا ذیل درک نمی‌کنند و با همان شیوه و رویکرد و حتی وقیحانه‌تر فعالانی که برای ساده‌ترین خواسته‌های خود به خیابان می‌آیند را هم چنان می‌گیرند، می‌بندند، شکنجه می‌کنند، حبس‌های طولانی مدت می‌دهند و به اشکال مختلف می‌کشند.

مسئولان حکومتی باید بدانند که دستگیری‌ها و حبس‌های طولانی مدت و وثیقه‌های سنگین که در سال‌ها، ماه‌ها و هفته‌های اخیر به شدت باب کرده‌اند، نیز نمی‌تواند اعتراضات مردم خسته از ظلم، دروغ، فقر، فساد، اختلاس، تبعیض، آزادی‌کشی و نابرابری را خاموش کند. هر چه بر شدت بازداشت‌ها و شکنجه‌ها و محکومیت‌ها و حق‌کشی‌ها بیافزایند، انرژی و عزم معترضان برای اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها جدی‌تر شدت خواهد شد. حکومت باید از آن روزی بترسد که مردم دیگر تاب و تحمل شان پایان یابد، آن زمان که خیلی هم دور نخواهد بود، حکومت دیگر با هیچ نیرویی توان مقابله با خشم و اراده مردم به خروش آمده در خیابان‌ها برای رهایی از بیدادگری را ندارد.

امسال سی و یکمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ است. مادران و خانواده‌های خاوران در اولین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در دهم شهریور ۱۳۶۸ در خاوران این روز را به عنوان سالگرد کشتار

زندانیان سیاسی برگزیدند. از آن سال، به جز حضور مداوم خانواده‌ها در طی سال که ابتدا هر هفته جمعه‌ها بود و بعد دو هفته یک بار و بعد جمعه‌های اول هر ماه، هم چنین دو بار در طی سال، جمعه آخر سال برای گرامی داشت عزیزان مان در آخرین جمعه در آستانه ی نوروز و در جمعه نزدیک به دهم شهریور برای اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی و گرامی داشت یاد قتل عام شدگان گرد هم می‌آیند. امسال نیز هم جمعه اول ماه و هم در هشتم شهریور به مناسبت سی و یکمین سالگرد قتل عام شدگان در خاوران گرد هم آمدند و گل‌های زیبایی بر بوته‌های خشکیده و گورهای بی‌نشان عزیزان مان نشاندند و به احترام مبارزات و ایستادگی‌ها و عاشقی‌های آن‌ها ایستادند و سرود خواندند و خوشحالیم که ماموران امنیتی و اطلاعاتی نبودند و مزاحمتی حداقل در ظاهر برای خانواده‌ها ایجاد نکردند.

ما مادران پارک لاله ایران به عنوان صدایی از جنبش دادخواهی مردم ایران، مصرانه می‌خواهیم بدانیم، چرا پس از ۳۸ سال از آغاز کشتارهای وحشیانه فعالان سیاسی در دهه ی شصت در تهران و شهرستان‌ها و پس از کشتار و سر به نیست کردن زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ (زندانیانی که حکم زندان داشتند)، هنوز خانواده‌ها و جامعه ی دادخواه نمی‌دانند که چه تعدادی را کشته اند و چه بلایی بر سر زندانیان آورده‌اند و چه کسانی در این جنایت‌ها سهمیم بوده‌اند؟ چرا پس از گذشت بیست و یک سال از قتل‌های سیاسی سال ۷۷ و ۲۰ سال از حمله به کوی دانشگاه و ربودن سعید زینالی‌ها، خانواده‌های آن‌ها و جامعه ی دادخواه نمی‌دانند که آن‌ها را چگونه و چرا کشته‌اند؟ و چرا پس از ده سال از کشتار خیابانی مردم بی‌دفاع در خیابان در سال ۸۸، هنوز نمی‌دانیم که چه تعدادی را کشته‌اند و چرا و چگونه و چه کسانی در این جنایت‌ها سهمیم بوده‌اند؟ و تا کنون این روند جنایت کارانه و سرکوب سازمان یافته و عدم پاسخگویی به مردم و دروغ‌گویی و وقاحت حاکمیت و دست اندرکاران جنایت‌ها بدون وقفه ادامه دارد.

در بزرگداشت کشته شدگان تابستان سال ۶۷ و دهه ی خون بار شصت باید گفت نام و یاد آنان در قلب ما حک شده و بی‌صبرانه منتظر روزی هستیم که محاکمه عادلانه آمران و عاملان کشتار آنان را شاهد باشیم، تا راه بر تکرار جنایاتی این چنین بسته شود و دیگر هیچ انسانی به خاطر داشتن عقیده و مرامی متفاوت از دیگران نتواند ندهد.

ما مادران پارک لاله، این چرخه ی آزادی کشتی، سرکوب، خشونت، بازداشت، شکنجه، تبعیض، اعترافات اجباری، احکام ناعادلانه و قتل های دولتی سازمان یافته در ایران و وضعیت بحرانی زندان ها و زندانیان را به شدت محکوم می‌کنیم و خواهان: (۱) آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، (۲) لغو قانون شکنجه و مجازات اعدام از جمله؛ اعدام، ترور، کشتار خیابانی، شکنجه، سنگسار و قصاص، (۳) محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمامی جنایات‌های صورت گرفته توسط مسئولان جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا به امروز در دادگاه‌هایی علنی و عادلانه هستیم. ما هم چنین اعتقاد عمیق داریم که این خواسته ها با اتحاد و همبستگی و مبارزات پیگیر ما دادخواهان به دست خواهد آمد و تردیدی نیست که برای رسیدن به این خواسته ها باید برای رسیدن به آزادی بیان و اندیشه، حق داشتن تجمع و اعتصاب و تشکل و احزاب مستقل، رفع هرگونه تبعیض و جدایی دین از حکومت نیز تلاش کنیم، زیرا علت اصلی این بی عدالتی ها را در ساختار حکومت و قوانین آزادی ستیز و تبعیض آمیز حکومت اسلامی ایران می دانیم.

مادران پارک لاله ایران

سیزدهم شهریور ۱۳۹۸